

گذری بر چارچوب نوسازی صنعتی^۱

در بازسازی اقتصادی، بازسازی صنعتی بیشتر به فرایند اصلاحات در بخش صنعتی به منظور بهبود کارایی تخصیص منابع اطلاق می‌شود. این فرایند معمولاً دربرگیرنده نقل و انتقالات بین^۲ بخشی در ترکیب تولید، اشتغال و سرمایه‌گذاری است. این اصلاحات همچنین دگرگونیها در کارکرد بازار کالاها (درجه رقابت پذیری، اندازه شرکتها و موارد دیگر) و ارتباط بین صنعتی را دربرمی‌گیرد. رویکرد بنیادی در نوسازی صنعتی، تدوین سیاستها به منظور تشویق نوسازی صنعتی و از آن راه، بهبود کارایی و رقابت پذیری صنعتی است.^۳

پرسش اساسی این است که چرا ایران نیازمند نوسازی صنعتی است. آیا این نیاز، برخاسته از فرسودگی و کهنگی ماشینها و ابزارهای تولید و عدم تمایل به سرمایه‌گذاری در بخش صنعت برای بازسازی و نوسازی ماشینها و تجهیزات است، یا اصولاً صنعت کشور دچار مشکل عقب ماندگی است؟ طرح نوسازی صنایع در ایران باید دربرگیرنده همه اقداماتی باشد که ضعف صنایع داخلی در رقابت با صنایع خارجی را که خودزاییده پیشرفت پرشتاب تکنولوژی، بازاریابی، سازماندهی و کاهش هزینهها در خارج است پوشش دهد.

نوسازی صنایع تنها به نوسازی فیزیکی ماشینها و ابزارهای تولید محدود نمی‌شود، بلکه باید با دگرگونیهای نرم افزاری (متغیرهای محیطی) مانند مدیریت، ساختار نیروی انسانی، تکنولوژی و بازاریابی همراه باشد تا توان رقابتی واحدهای صنعتی افزایش یابد. در این فرایند، واحدهای تولیدی کارآمد مبتنی بر مزیت نسبی در بازار رقابتی به حیات خود ادامه می‌دهند و واحدهای ناکارآمد از بازار حذف می‌شوند.

در گذشته، توسعه صنعتی ایران در شرایط غیر رقابتی و در انزوا، فارغ از مشارکت‌های برون مرزی بوده و استراتژی صنعتی تحت تأثیر اقتصاد تک محصولی و متکی به نفت که بخش چشمگیری از درآمد دولت را تأمین می‌کند، شکل گرفته است و رقابت، به علت وجود انحصارات و رانت‌ها رشد

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در نوسازی و بازسازی صنایع ایران با رویکرد به شواهد عینی در کشورهای شرق آسیا است.

با گذشت بیش از یک سده از فرایند صنعتی شدن ایران، سهم ارزش افزوده بخش صنعت کشور از GDP از ۱۵ درصد فراتر نمی‌رود که در سنجش با کشورهای در حال توسعه و تازه صنعتی در جایگاهی بسیار پایین قرار دارد. از منظر تاریخی، رشد صنعتی ایران در شرایط غیر رقابتی بوده و در شرایط کنونی نوسازی صنعتی ایران به مفهوم تجدید حیات رقابت پذیری در صنایع ایران است که خود نه تنها نیازمند نوسازی فیزیکی ابزارها و ماشینها در بیشتر کارخانههای صنعتی است، که عملی بیش از ۳۰ سال دارند، بلکه به سرمایه‌گذاری تازه در چارچوب تکنولوژیهای نو، فنون بازاریابی و بهبود بهره‌وری نیروی انسانی نیاز دارد.

در نتیجه، هدف از جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تنها محدود به تأمین مالی تکامل صنعتی ایران نیست، بلکه با رویکرد به فناوری ملین، نابودی مدیریت سنتی، و بازاریابی مناسب، زمینه برای رقابت پذیری صنایع و ورود آنها به بازارهای جهانی هموار می‌شود. در این راستا، نخست مفهوم نوسازی صنایع تحلیل می‌شود که در آن به شاخصهایی که نشانگر رقابت پذیری نبودن بخش صنعتی است، اشاره می‌شود. آنگاه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان یکی از راهکارها که می‌تواند با منابع مالی و نوآوری تکنولوژی، شکاف عقب افتادگی در زمینه رقابت را پر کند و توان رقابت پذیری بخش صنعت را افزایش دهد، مورد توجه قرار می‌گیرد.

همچنین روند روانه شدن FDI به کشورهای در حال توسعه در سالهای اخیر و آنگاه از تباطؤ پایین دستی FDI با دیگر بخشهای اقتصاد بررسی می‌شود و سپس گذری بر شواهد عینی مربوط به ارتباط FDI با صادرات صنعتی کشورهای شرق آسیا و نیز تجارب ایران با FDI خواهیم داشت. کلام پایانی دربرگیرنده سیاست گذاریهایی در راستای جذب FDI برای نوسازی بخش صنعتی

نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در نوسازی بخش صنعتی ایران

نویسنده: دکتر علیرضا کازرونی

دانشیار گروه اقتصاد،
دانشگاه تبریز

سنجش با دیگر کشورها نشانگر درجه پایینی از صنعتی شدن است. در جدول ۲، نرخ رشد صنعتی ایران (۴/۹) در صد در دوره ۹۸-۱۹۹۰ از دیگر کشورهای در حال توسعه کمتر است.

همچنین، در سنجش با دیگر کشورهای در حال توسعه، عملکرد ایران در زمینه صادرات صنعتی (جدول ۳) بسیار ناکارآ بوده به گونه‌ای که سهم صادرات صنعتی ایران به کل صادرات در سال ۱۹۹۹ به ۸/۳ درصد رسیده است که در سنجش با ۹۸/۴ درصد برای ترکیه در سطحی بسیار پایین قرار دارد. برخی کشورهای در حال توسعه با رشد صنعتی (توسعه تکنولوژی، افزایش مهارتها و انباشت سرمایه) توانسته‌اند مزیت نسبی مبتنی بر

نیافته است. انگیزه اصلی سرمایه‌گذاری در بخش صنعت، بیشتر بهره‌جویی از رانتهای اقتصادی بوده تا دست یافتن به بازارهای خارجی و رقابت تولیدی؛ و نزدیک به ۸۰ درصد از فعالیتهای صنعتی نیز در انحصار دولت بوده است. سهم اندک صنعت در تولید ناخالص داخلی و همچنین در صادرات ایران در سنجش با برخی کشورهای در حال توسعه، بیانگر این واقعیت است که صنعت ایران رشد و پویایی نداشته و در چارچوب شرایط رقابت آمیز تکامل نیافته است.^۵ (جدولهای ۱ تا ۳)

در جدول ۱، سهم اندک ارزش افزوده صنعت در تولید ناخالص داخلی ایران (۱۳/۶ درصد) در

○ با گذشت بیش از یک سده از فرایند صنعتی شدن ایران، سهم ارزش افزوده بخش صنعت کشور از GDP از ۱۵ درصد فراتر نمی‌رود که در سنجش با کشورهای در حال توسعه و تازه صنعتی شده، در جایگاهی بسیار پایین قرار دارد.

جدول ۱- سنجش سهم ارزش افزوده صنعت در تولید ناخالص داخلی ۱۹۹۸ (درصد)

کشور	ایران	ترکیه	هند	مالزی	چین	کشورهای در حال توسعه
سهم	۱۳/۶	۲۲/۹	۱۷/۷	۳۰/۸	۴۲/۲	۲۴

منبع: UNIDO Country Industrial Statistics

جدول ۲- سنجش میانگین نرخ رشد اقتصادی و صنعتی برخی کشورهای در حال توسعه

در سالهای ۹۸-۱۹۹۰ به بهای سال ۱۹۹۵ (درصد)

کشور	ایران	ترکیه	مصر	هند	مالزی	کشورهای کمتر توسعه یافته
رشد اقتصادی	۳/۶	۴/۲	۴/۲	۶/۱	۷/۴	۷/۴
رشد صنعتی	۴/۹	۵/۹	۵/۳	۸	۱۰/۸	۱۱/۸

منبع: World Bank

جدول ۳- سنجش سهم صادرات صنعتی ایران در کل صادرات با دیگر کشورهای در حال توسعه (سال ۱۹۹۹)

نام کشور	حجم صادرات صنعتی (میلیون دلار)	سهم صادرات صنعتی به کل صادرات (درصد)	نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی (درصد)
ترکیه	۲۳۷۵۷	۸۹/۴	۱۲/۹
مالزی	۲۷۵۱۶	۹۱/۸	۹۸
کره جنوبی	۱۳۸۶۸۸	۹۸/۵	۳۴/۱
هند (۱۹۹۸)	۲۳۷۳۹	۷۱/۷	۵/۴
چین	۱۸۳۳۸۸	۹۴/۱	۱۸/۶
ایران	۱۷۴۸	۸/۳	۱/۷

منبع: وزارت صنایع و معادن (۱۳۸۰)، گزارش طرح نوسازی صنایع کشور، ص ۵

منابع اولیه خود را به مزیت‌های رقابتی مبتنی بر کالاهای دانش‌بر و تکنولوژی افزا (نمونه: کره جنوبی و مالزی) تبدیل و صادرات محصولات صنعتی را جایگزین صادرات کالاهای اولیه کنند.

مسئله دیگر، رقابت‌پذیر نبودن بخش صنعت در برابر واردات است. چه پیش و چه پس از انقلاب اسلامی، همواره تشکلهای صنعتی حساسیت زیادی در برابر آزادسازی واردات از خود نشان می‌دادند و دولت را ناگزیر از درپیش گرفتن سیاستهای پشتیبانی بارو داشتن تعرفه‌های سنگین گمرکی در برابر واردات کالاهای همسان به کشور می‌کردند. این امر گویای آن است که محصولات صنعتی کشور به علت تکنولوژی عقب مانده، نبود نوآوری و تنوع‌گرایی و بهای غیررقابتی کالاهای آمادگی رقابت با محصولات وارداتی را ندارد نمونه این وضع را می‌توان در صنعت خودرو یافت. با آنکه از سال ۱۳۷۳ بدین سو ممنوعیت واردات در مورد آن اجرا شده، هنوز سنجش میان تولیدات داخلی و خارجی در زمینه موتور خودروها نشانگر آن است که از لحاظ رتبه فنی، تولیدات داخلی ضعیف است و ۲۰ تا ۳۰ سال از بهترین تولیدات روز دنیا عقب افتاده است. از این رو پشتیبانی از تولیدات داخلی بی آنکه در معرض رقابت باشد، انگیزه کسب دانشهای فنی تازه را از میان برده، و موجب عقب ماندگی فنآوری تولیدات داخلی و افت کیفیت در سنجش با تولیدات همسان خارجی شده است. رویهمرفته چنین نتیجه‌گیری می‌شود که توسعه صنعتی ایران از ماهیتی پویا و رقابت‌پذیر برخوردار نیست.

اصول اقتصادی حاکم بر بازسازی صنایع^۲

الف) نخست آنکه بازسازی صنایع ایران باید در دل فرایند جهانی شدن اقتصاد که به منزله رقابت‌پذیری بخش صنعتی ایران در بازارهای جهانی با تولیدات صنایع همسان (برخورداری از فنآوری روز و بهای ارزان) است، صورت پذیرد. به سخن دیگر، بازسازی صنعتی باید در فضایی رقابتی همراه با اقتصاد باز فراهم شود. اگر بازسازی در راستای گسترش صادرات نباشد رقابت‌آمیز نبوده و تنها موجب اتلاف منابع خواهد شد.

بازسازی صنایع زمانی مؤثر است که به جهش صادرات غیر نفتی بینجامد (با توجه به سهم ۲۵ درصدی صادرات غیر نفتی در کل صادرات کشور و نیز سهم ۳۰ درصدی صادرات صنعتی در مجموع صادرات غیر نفتی). و سرانجام اینکه، در بازسازی صنایع، صادرات گرایمی و رقابت‌پذیری، مهمترین اصل است. در بازسازی، صنایع ایران به چند گروه تقسیم می‌شود. یک گروه صنایعی است که در خور بازسازی نیست زیرا بازاری برای محصولات آنها وجود ندارد و باید خط تولیدشان تغییر یابد؛ گروه دیگر صنایعی است که باید با توجه به بازار صادراتی از امکاناتی در زمینه‌های مدیریتی، مالی، فنآوری و بازاریابی برخوردار شود تا بتواند کالاهای تولیدی خود را به بازارهای جهانی صادر کند.

گذشته از آن، در بازسازی صنایع، اولویت با صنایع صادرات گرا است که ارزش آفر است و هزینه‌های ارزی خود را تأمین می‌کند. روی هم رفته صنایعی را باید برای بازسازی در نظر گرفت که برون‌گرا بوده و بتواند فنآوری نورا جذب و در بازارهای داخلی و جهانی رقابت کند. همه صنایع ارزی‌بر و کاربر در زمره صنایع برتر ایران به شمار می‌آید و باید بازسازی شود.

ب) بازسازی باید در راستای ارتقای کیفیت و کاهش بهای کالا باشد. خرسندی مشتریان از مصرف کالای داخلی، نه خارجی، معیاری برای تحول محسوب می‌شود.

پ) برای اینکه بخش خصوصی انگیزه بازسازی صنایع پیدا کند، باید خصوصی‌سازی به گونه‌ای فراگیر صورت گیرد و نقش دولت از تصدی‌گری به سیاستگذاری تغییر یابد.

ت) یکی از مشکلات بخش صنعت فرسودگی ماشین‌ها و تجهیزات است که عمر برخی از آنها به بیش از ۳۰ سال می‌رسد و در عمل، رقابت‌پذیری این بخش را در بازارهای جهانی ناممکن می‌سازد. تشکیل سرمایه ثابت در ایران از تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۹۴، ۱۶/۷ درصد بوده که در سنجش با دیگر کشورهای در حال توسعه مانند ترکیه (۲۲ درصد) و چین (۴۲ درصد) در سطح پایینی قرار داشته است.

و) انگیزی، در ایران سهم بخش خصوصی در

○ از منظر تاریخی، رشد صنعتی ایران در شرایط غیر رقابتی صورت پذیرفته است. هم‌اینک نیز بازسازی صنعتی ایران به مفهوم تجدید حیات رقابت‌پذیری در صنایع ایران است که نه تنها نیازمند نوآوری فیزیکی ابزارها و ماشینها در بیشتر کارخانه‌های صنعتی است که عمری فراتر از ۳۰ سال دارد، بلکه به سرمایه‌گذاری تازه بر پایه تکنولوژی‌های نو، فنون بازاریابی و بهبود بهره‌وری نیروی انسانی نیازمند است.

○ نوسازی صنایع تنها به نوسازی فیزیکی ماشینها و ابزارهای تولید محدود نمی شود بلکه باید با دیگر گونیهای نرم افزاری (متغیرهای محیطی) مانند مدیریت، ساختار نیروی انسانی، تکنولوژی و رقابتی واحدهای صنعتی افزایش یابد.

ج) به علت کمبود منابع داخلی و عقب افتادگی نرم افزاری (نبود فنلوری روز، مدیریت نو و بازاریابی تازه، پایین بودن بهره‌وری صنعتی)، جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در نوسازی صنایع ایران نه يك «نیاز» بلکه يك «باید» است که می تواند منابع مالی لازم و فنلوری روز را تأمین کند و با بازاریابی برای محصولات، در رشد صنعتی مؤثر و زمینه را برای رقابت صنایع ایران در بازارهای جهانی فراهم آورد.

چستی و روند FDI در دوران معاصر:

در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) در کشورهای در حال توسعه اساساً از منظر فعالیت شرکت‌های چندملیتی (MNCs) در صنایع جانشین واردات، یا پروژه‌های توسعه منابع طبیعی مطرح بود. از آنجا که فعالیت‌های سرمایه گذاری شرکت‌های چند ملیتی معمولاً با پشتیبانی از صنایع جانشین واردات همراه بود که برای این کشورها پرهزینه است، بحث فراگیر این بود که چه مقدار فواید خالص (بازینه) به کشورهای در حال توسعه میزبان تعلق می گیرد. در بسیاری موارد، پشتیبانی از صنایع جانشین واردات و نبود رقابت داخلی به شرکت‌های چندملیتی این اجازه را می داد که از امتیاز و رانت انحصاری بر خوردار باشند. چنین وضعی برای زمانی طولانی ادامه داشت، بی آنکه رقابت بین المللی را شتاب بخشد.

از دهه ۱۹۸۰، دیگر گونیهای زیادی در نگرش کشورهای در حال توسعه نسبت به سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) پدید آمده است. مشکلات روز افزون تراز پرداختها و همچنین بحران بدهی‌های خارجی کشورهای در حال توسعه در اوایل دهه ۱۹۸۰ و در نتیجه کاهش کمکها و وامهای خارجی، بسیاری از کشورهای در حال توسعه را به ارزیابی دوباره مواضع خود در برابر سرمایه گذاری مستقیم خارجی واداشته و گامهای اساسی یکسویه در جهت آزادسازی FDI به داخل کشور برداشته‌اند و در واقع گونه‌ای رقابت برای جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی میان کشورهای کمتر توسعه یافته پدید آمده است.

در این میان، در اواخر دهه ۱۹۶۰ شماری از کشورهای در حال توسعه آسیا به گونه‌ای

سرمایه گذاری در سال ۱۹۹۸ نزدیک به ۵۵/۵ درصد بوده که اگر بسیاری از شرکت‌های زیر پوشش دولت شرکت‌های خصوصی به شمار نیاید، این سهم بسیار کمتر از ۵۵/۵ درصد خواهد بود.

از این رو سرمایه گذاری در واحدهای صنعتی و سرمایه گذاری مجدد از جذابیت لازم برخوردار نیست که خود نشانگر نامناسب بودن فضای فعالیت‌های صنعتی و سودآور نبودن مطلوب برای سرمایه گذاری مجدد به منظور به روز کردن ماشینها و ابزارهای تولیدی و بالا بردن کیفیت کالا است. یکی از عوامل کمبود انگیزه سرمایه گذاری صنعتی، نرخ بهره بسیار بالا در نظام بانکی است. برای نمونه، نرخ سود اعتباری صندوق ذخیره ارزی برای سرمایه گذاری مجدد در نوسازی صنایع در چارچوب قانون دو درصد بالاتر از نرخ سود جهانی است و اگر حدود سه درصد به آن افزوده شود، چنین نرخ برای سرمایه گذار ایرانی سودآور نبوده و به تولید کالایی می انجامد که از لحاظ بها، توان رقابت در بازار را ندارد. همچنین، سقف اعتبارات صندوق ذخیره ارزی به سه میلیارد دلار می رسد که به تولید کنندگانی پرداخت می شود که بتوانند تسهیلات دریافتی را به ارز پرداخت کنند، یعنی (صادرات گرا) باشند. این مقدار در سنجش با نیاز بخش صنعت ناچیز است. تنها صنایع نساجی به دستکم ۶ تا ۷ میلیارد دلار سرمایه گذاری در جهت نوسازی ماشینها و تجهیزات نیازمند است.^۸ نوسازی صنایع نیازمند نرخ بهره پایین و تسهیلات بانکی فراوان است. در این خصوص نه تنها دولت بلکه بخش خصوصی، نظام بانکی و بازار سرمایه (بازار سهام) باید در تأمین مالی طرح نوسازی صنایع نقش اساسی بازی کنند.

ن) نوسازی صنایع نیازمند برنامه ریزی فراگیر و بلندمدت است و با توجه به مشکلات کلان بخش صنعت مانند فرسودگی ماشینها، نبود انگیزه برای سرمایه گذاری، کمبود نقدینگی، مقررات جاری نظام بانکی، ناکارآمدی نیروی انسانی، بهره بردن از فنلوری روز و ناتوانی در حوزه پژوهش و توسعه، نیاز به يك استراتژی به صورت زیر دارد.^۹

۱- نوسازی فنی ۲- نوسازی مالی ۳- نوسازی مدیریتی و سازمانی ۴- بازاریابی نیروی انسانی.

سازماندهی و نهادی نیز عناصر مهمی هستند، زیرا کارآیی مدیریت يك صنعت و جامعه را مشخص می‌کنند.

کشورها با ظرفیت بالای جذب، با شتاب دانش‌مدیریت و تکنولوژی را از بنگاههای خارجی می‌آموزند و بنگاههای محلی، تکنولوژی خارجی و دانش را به منظور رقابت با بنگاههای خارجی فرامی‌گیرند.

اهمیت استراتژی رشد صادرات گرا و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی معطوب به صادرات این است که کشورهای میزبان می‌توانند پرشتاب‌تر تکنولوژی و دانش فنی ارائه شده از سوی بنگاههای خارجی را بیاموزند زیرا تکنولوژی و دانش فنی، مشخص‌کننده مزیت‌های نسبی (بالقوة) کشور میزبان محسوب می‌شود.

از دید نظریه پردازان اقتصادی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ویژگی دوگانه‌ای دارد. از سویی مکمل پس‌انداز داخلی برای رسیدن تولید به سطح اشتغال کامل است و از سوی دیگر ابزاری برای گسترش صادرات محسوب می‌شود که به اشتغال‌زایی در اقتصاد می‌انجامد.

از این رو جذب سرمایه خارجی به عنوان ابزاری که می‌تواند با انتقال فناوری تولید، مدیریت و مهارت فنی به پدید آوردن مزیت‌های نسبی در بخش صنعت کمک کند و کیفیت، استاندارد و رقابت‌پذیری صادرات صنعتی را بهبود بخشد، بنای‌گامی مورد توجه سیاستگذاران قرار گرفته است. یکی از کمک‌های بزرگ شرکت‌های فراملیتی به کشورهای میزبان، ارتقاء رقابت‌پذیری صادرات است. رقابت‌پذیری صادرات ویژگی‌های زیادی دارد که با ارزش‌ترین آنها، افزایش صادرات به معنای متنوع‌سازی سبد صادراتی، حفظ نرخ بالاتر صادرات در طول زمان، ارتقاء تکنولوژی و مهارت پدید آمده در کالاهای صادراتی و کمک به بنگاههای داخلی در زمینه رقابت جهانی است.

همانگونه که مایر (Meier 1989, pp 254-292)، اقتصاددان مشهور، به درستی دریافته است، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نه تنها سرمایه و

موفقیت آمیز از سرمایه‌گذار بهای مستقیم بنگاههای خارجی به سود استراتژی رشد مبتنی بر صادرات بهره بردند. کشورهای بیشتری تشخیص دادند که فواید خالص FDI برای کشورهای میزبان، بیشتر تابعی از سیاست‌های دولت و ظرفیت جذب کشور بوده تا متأثر از استراتژی بنگاههای خارجی. به سخن دیگر، سیاستگذاران در کشورهای در حال توسعه تشخیص دادند که با در پیش گرفتن سیاستهای معقول صنعتی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند ابزاری عمده برای صنعتی شدن کشورهای در حال توسعه میزبان باشد.^{۱۱} همانگونه که شمار بیشتری از کشورهای در حال توسعه به استراتژی توسعه برون‌گرا (عمدتاً استراتژی رشد مبتنی بر صادرات) علاقمند شده‌اند، به گونه روزافزون به جذب FDI نیز تمایل نشان داده‌اند. با تأکید بر صادرات از راه پروژه‌های FDI، حتی در مورد کالاهای تازه‌جانشین واردات، کشورهای میزبان توانسته‌اند فواید خالص برخاسته از FDI را افزایش دهند.

استراتژی رشد مبتنی بر صادرات بهره‌های زیادی برای این کشورها داشته و حجم رو به رشد صادرات، هم فعالیت اقتصادی و هم اشتغال را بالا برده و به پیشرفت پرشتاب تکنولوژی و افزایش بهره‌وری منجر شده است. در جمهوری کره و چند کشور دیگر، جایی که صادرات نقش چشمگیری در فرایند صنعتی شدن و رشد داشته، همبستگی مثبتی میان اندازه تقاضا و رشد بهره‌وری نمایان است. از همه مهمتر آنکه رقابتی که صادرکنندگان در بازارهای بین‌المللی با آن روبه‌رو هستند بهترین شیوه به نظم در آوردن بنگاهها و افزایش کارایی و بهره‌وری آنهاست.

ظرفیت جذب کشورهای میزبان یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر میزان فواید FDI برای این کشورهاست. ظرفیت جذب، به توانایی يك جامعه در کسب، پذیرش و درونی‌سازی تکنولوژی خارجی و مدیریت بستگی دارد. عناصر اصلی جذب دربرگیرنده آموزش و پژوهش و توسعه (R&D) می‌شود. ولی ابعاد

○ توسعه صنعتی ایران در گذشته، در شرایط غیر رقابتی و در انزوا، بر کنار از مشارکتهای برون مرزی صورت پذیرفته و استراتژی صنعتی بر مبنای اقتصاد تک محصولی نفت که بخش چشمگیری از درآمد دولت را تأمین می‌کند، بوده است.

○ سهم اندک صنعت در تولید ناخالص داخلی و همچنین در صد پایین محصولات صنعتی صادراتی از کل صادرات ایران، در سنجش با برخی کشورهای در حال توسعه بیانگر این واقعیت است که صنعت ایران رشد و پویایی لازم را نداشته و در چارچوب شرایط رقابت آمیز شکل نگرفته است.

خارجی در ارتباط با عرضه کنندگان محلی می‌توانند صادرات را گسترش دهند. در شرایطی بنگاه‌های محلی می‌توانند توسعه یابند و به عرضه کنندگانی با بُعد جهانی تبدیل شوند. تقویت عرضه کنندگان محلی می‌تواند آثاری برونزا بر دیگر بخشهای اقتصاد محلی از لحاظ نمایشی، پویایی نیروی کار آموزش دیده و جنبه‌های رقابتی به جای گذارد.

روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان:

افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یکی از عواملی است که در فرایند جهانی شدن اقتصاد (ادغام تدریجی اقتصادهای ملی در اقتصاد بین‌الملل) نقش بزرگی داشته است. بر پایه جدول شماره ۴، حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از ۳۳۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۵ به ۱۰۷۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ رسیده که رشدی ۴ برابری نشان می‌دهد. کشورهای در حال توسعه در جذب جریان رو به افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در این دوره چندان موفق نبوده‌اند. گرچه سهم آنها از ۱۱۳/۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۵ به ۲۴۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ رسیده، ولی سهم نسبی آنها از کل جریان FDI به کمتر از (۱/۶) می‌رسد. با وجود این، افزایش جریان FDI به کشورهای در حال توسعه را می‌توان بازتاب رشد اقتصادی پایدار، تداوم آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی در این کشورها و همچنین پیوند روزافزون این کشورها در برنامه سرمایه‌گذاری شرکتهای چندملیتی دانست.

آزادسازی اقتصادی دربرگیرنده رفع یا تعدیل موانع مربوط به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مقررات‌زدایی از بیشتر فعالیتهای اقتصادی و تکیه بر نیروهای بازار در اقتصاد داخلی و همچنین پذیرش استانداردها و قوانینی در رفتار با FDI است. بسیاری از کشورها هنجارهای اصلی رفتار با سرمایه‌گذار خارجی را پذیرفته‌اند و تضمین‌های کافی در زمینه مسایل کلیدی مانند نقل و انتقال سرمایه، حل و فصل اختلافات و سلب مالکیت‌ها در نظر گرفته‌اند.

بر پایه جدول ۴، عملکرد ایران در جلب FDI

ارز خارجی، بلکه توانایی‌های مدیریتی، سازماندهی، اداری، نوآوری در کالاها و فناوری را به کشور میزبان منتقل می‌کند. همچنین در پهنه‌ای گسترده، تقاضای دیگر صنایع پدید می‌آورد. سرمایه‌گذاری خارجی در نخستین صنعت، به سودآوری در صناعی می‌انجامد که نهادهایی به این صنعت ارائه می‌کنند. بدین‌سان زنجیره‌ای از سرمایه‌گذارهای داخلی ممکن است به سرمایه‌گذاری خارجی ارتباط یابد.

در این حالت، ارتباطات پایین‌دستی^{۱۲} میان شعب خارجی سرمایه‌گذار و بنگاههای محلی اهمیت ویژه‌ای دارد. اگر از شعب خارجی آغاز کنیم، بسیاری از این واحدهای تولید، بخش عمده نهادهای (کالاهای واسطه و خدمات) را از دیگر بنگاهها خریداری می‌کنند و توانایی ارائه این گونه خدمات از منابع محلی با اهمیت است. اگر نمایندگان خارجی بتوانند نهادهای را از اقتصاد کشور میزبان (مانند نهاده کار) فراهم آورند، این امر می‌تواند هزینه‌های تولید را کاهش دهد. اگر این نمایندگان بتوانند با عرضه کنندگان محلی قراردادهای فرعی ببندند، این بنگاهها می‌توانند تخصص خود را بالا ببرند و انعطاف‌پذیر گردند و فناوری و کالاهایی را در اختیار گیرند که بهتر با شرایط محلی همخوان باشد. از لحاظ فنی، عرضه کنندگان پیشرفته می‌توانند این شعب را تغذیه کنند و فرصت لازم برای آنها در تمرکز بر فعالیتهای اصلی خلاق پدید آورند تا بتوانند بیشتر رقابت‌پذیر شوند. در نتیجه، نزدیک بودن به عرضه کنندگان محلی، عامل مهمی در مکان‌یابی شرکت‌های چندملیتی محسوب می‌شود. از سوی دیگر، عرضه کنندگان محلی می‌توانند از ارتباط با شعب خارجی از لحاظ افزایش تولید و اشتغال سود برند. آثار غیر مستقیم بر تواناییهای عرضه کنندگان شاید مهمتر باشد.^{۱۳} این ارتباطات می‌تواند کانالهای مهمی برای گسترش دانش و مهارتها میان بنگاهها به شمار آید. روابط میان بنگاهها معمولاً دربرگیرنده تبادل اطلاعات، دانش فنی و مهارتها است. روابط استوار می‌تواند کارایی تولید، تواناییهای مدیریت و تنوع بازار را به سود بنگاههای عرضه‌کننده افزایش دهد. شعب

می دهد که این درصد در بخش صنعت کل جهان به سرعت از ۹ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۲۱/۶ درصد در سال ۱۹۹۸ رسیده است. سهم FDI در تشکیل سرمایه بخش صنعت کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به ترتیب در حدود ۱۶/۶ درصد و ۳۶/۷ درصد در سال ۱۹۹۸ بوده که بیانگر نقش FDI در توسعه کشورهای کمتر توسعه یافته است.

در این میان، بیشترین سهم FDI در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کشور میزبان به چین در سال ۱۹۹۴ نسبت داده شده است که بیش از میانگین جهانی (۱۱/۱ درصد) توانایی جذب داشته است. افزایش سرمایه گذاری مستقیم خارجی در چین را می توان به اصلاحات زیربنایی اقتصادی در آن کشور مانند آزادسازی اقتصادی و خصوصی سازی نسبت داد.

از سوی دیگر، سهم FDI در تشکیل سرمایه ثابت ایران در سال ۲۰۰۰ به ۳۶ میلیون دلار (۰/۱ درصد) رسیده که رقم ناچیزی است. اندک بودن این سهم را باید ناشی از قوانین و مقررات مربوط به جذب سرمایه گذاری خارجی، مالیاتها، تجارت خارجی و همچنین مقررات کار دانست.

در راستای بازسازی صنعت بسیار ضعیف بوده است. در سال ۱۹۹۵، ایران تنها ۱۷ میلیون دلار سرمایه گذاری مستقیم خارجی را جذب کرده که برابر ۰/۰۱ درصد از کل این جریان به کشورهای در حال توسعه است و در مقام سنجش با کشورهای همسایه مانند پاکستان و ترکیه رقم ناچیزی را نشان می دهد. هرچند ایران از منابع اقتصادی فراوانی مانند انرژی (نفت و گاز) و نیروی کار ارزان و ذخایر معدنی، بازار داخلی با قدرت خرید نسبتاً بالا و جمعیت بیش از ۶۰ میلیون نفر برخوردار است و جایگاه جغرافیایی-اقتصادی ممتازی به لحاظ نزدیکی و همبستگی با کشورهای آسیای مرکزی و خلیج فارس دارد می تواند جایگاهی مناسب برای سرمایه گذاری مستقیم خارجی باشد سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران در دهه ۱۹۹۰ اندک و عکس آن انتقال سرمایه به خارج یا تردید سرمایه گذاران خارجی درباره امنیت سرمایه گذاری و انتقال سود از ایران، ناپایداری اقتصادی، و شفاف نبودن سیاستها در زمینه جلب سرمایه گذاران خارجی بوده است.

گذشته از آن، جدول ۵، توزیع بخشی FDI به عنوان درصدی از تشکیل سرمایه در دنیا را نشان

○ برخی کشورهای در حال توسعه بار شد صنعتی (پیشرفت تکنولوژی، افزایش مهارتها و انباشت سرمایه) توانسته اند مزیت نسبی مبتنی بر مواد اولیه خود را به مزیت های رقابتی مبتنی بر کالاهای دانش برو تکنولوژی افزا (نمونه کشورهای کسره جنوبی و مالزی) تبدیل و صدور محصولات صنعتی را جایگزین صدور مواد کالاهای اولیه کنند.

جدول ۴- جریان ورودی FDI بر حسب کشور میزبان (میلیون دلار)

کشور میزبان	۱۹۹۴-۱۹۸۹ میانگین سالانه	۱۹۹۵	۱۹۹۷	۱۹۹۹	۲۰۰۰	سهم جریان ورودی FDI در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کشور میزبان (درصد)
جهان	۲۰۰۱۲۵	۳۳۱۰۶۸	۴۷۷۹۱۸	۱۰۷۵۰۴۹	۱۲۷۰۷۶۴	۱۱/۱
کشورهای توسعه یافته	۱۳۷۱۲۴	۲۰۳۴۶۲	۲۷۱۳۷۸	۸۲۹۸۱۸	۱۰۰۵۱۷۸	۱۰/۹
کشورهای در حال توسعه	۵۹۵۷۸	۱۱۳۳۳۸	۱۸۷۳۵۲	۲۲۲۰۱۰	۲۴۰۱۶۷	۱۱/۵
مصر	۷۴۱	۵۹۸	۸۹۱	۱۰۶۵	۱۲۳۵	۶/۱
ترکیه	۷۰۸	۸۸۵	۸۰۵	۷۸۳	۹۸۲	۱/۹
ایران	-۲۳	۱۷	۵۳	۳۳	۳۶	۰/۱
مالزی	۳۹۶۴	۵۸۱۶	۶۵۱۳	۳۵۳۲	۵۵۴۲	۱۳/۹
چین	۱۳۹۵۱	۳۵۸۴۹	۲۴۲۳۷	۴۰۳۱۹	۴۰۷۷۲	۱۲/۹
هند	۳۹۴	۲۱۴۴	۳۶۱۳	۲۱۵۴	۲۳۱۵	۲/۹
پاکستان	۳۰۴	۷۱۹	۷۱۳	۵۳۱	۳۰۸	۵/۶
کره جنوبی	۸۶۹	۱۷۷۶	۲۸۴۴	۱۰۵۹۸	۱۰۱۸۶	۵/۵

منبع: UNCTAD, World Investment Report 2001, pp. 292-294

تجارب کشورهای جنوب شرقی آسیا در زمینه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی:

رقابت‌پذیری تجاری هر کشور بر پایه سهمش در صادرات جهانی اندازه‌گیری می‌شود. ۲۰ کشور پیشرفته به رهبری آمریکا، آلمان و ژاپن بیش از ۳/۴ ارزش تجارت جهانی را به خود اختصاص داده‌اند. گروه دیگر، کشورهای در حال توسعه و تازه صنعتی شده جنوب شرقی آسیا شامل چین، سنگاپور، کره، مالزی، تایوان، فیلیپین، تایلند و ویتنام هستند که توانسته‌اند سهم چشمگیری در تجارت بین‌الملل در دوره ۱۹۸۵-۲۰۰۰ به دست آورند.^{۱۴}

در این فاصله، الگوی تجارت بسیار دگرگون شده و این تغییرات نشانگر تحولات ساختاری در تولید است که بر اثر تکنولوژیهای تازه، الگوهای جدید تقاضا، عوامل لجستیکی و شیوه‌های تازه سازماندهی و مکان‌یابی تولید، و سیاستها و قوانین تازه تجارت بین‌الملل، شکل گرفته است. عامل مهم دگرگونیها در الگوی صادرات، پیشرفت تکنولوژی است. کالاهای صادراتی در دو طیف گسترده مواد اولیه و کالاهای صنعتی نمود یافته است. طیف دوم خود به چهار گروه تقسیم

می‌شود. نخستین گروه کالاهای صنعتی مبتنی بر منابع، دومین گروه مبتنی بر تکنولوژی سطح پایین، سومین گروه مبتنی بر تکنولوژی متوسط و چهارمین گروه به تکنولوژی پیشرفته وابسته است. روند ساختاری تغییر در الگوی تجارت در طول چند دهه گذشته شاهد کاهش نسبی سهم مواد اولیه و کالاهای صنعتی متکی به منابع در ترکیب تجارت بین‌الملل بوده، به گونه‌ای که سهم این گروه از کالاها در سال ۲۰۰۰ به کمتر از ۵۰ درصد رسیده که نشانگر آن است که کشورهای با این گونه کالاها به دشواری می‌توانند سهم خود را در صادرات جهانی حفظ کنند. وانگهی، هر اندازه تکنولوژی پیشرفته‌تر و وابستگی به منابع طبیعی کمتر باشد، صادرات پرشتاب‌تر رشد می‌یابد. صادرات متکی بر تکنولوژی پیشرفته، بیشترین پویایی را در رقابت جهانی دارد.

کشورهای در حال توسعه، بویژه کشورهای تازه صنعتی شده جنوب شرق آسیا از لحاظ صدور کالاهای تکنولوژی بر، رشدی پرشتاب‌تر از کشورهای صنعتی داشته‌اند. هم‌اکنون صادرات با تکنولوژی بالا بزرگترین در آمد ارزی را برای کشورهای در حال توسعه فراهم می‌کند. در سال

○ محصولات صنعتی ایران به علت تکنولوژی عقب مانده، نبود نوآوری و تنوع گرای و بهای غیر رقابتی کالاها، آمادگی رقابت با محصولات وارداتی را ندارد.

جدول ۵- جریان ورودی FDI در تشکیل سرمایه، بر پایه ناحیه و بخش (بر حسب درصد)

ناحیه	جریان ورودی FDI بر حسب درصدی از تشکیل سرمایه داخلی تمام صنایع	جریان ورودی FDI بر حسب درصدی از تشکیل سرمایه در بخش صنعت	جریان ورودی FDI بر حسب درصدی از تشکیل سرمایه خصوصی در تمام صنایع
جهان			
۱۹۸۰	۲/۳	۹	۳/۴
۱۹۹۰	۴/۷	۱۴	۵/۶
۱۹۹۸	۱۱/۸	۲۱/۶	۱۳/۹
ملل توسعه یافته			
۱۹۸۰	۲/۷	۸/۵	۳/۴
۱۹۹۰	۴/۹	۱۱/۹	۵/۲
۱۹۹۸	۱۰/۹	۱۶/۶	۱۲/۹
ملل در حال توسعه			
۱۹۸۰	۱/۲	۱۱/۷	۳/۶
۱۹۹۰	۴	۲۲/۳	۶/۷
۱۹۹۸	۱۱/۵	۳۶/۷	۱۷/۷

منبع: UNCTAD (2001), World Investment Report 2000, p.5

۲۰۰۰، صادرات کالاها با تکنولوژی بالا از سوی کشورهای در حال توسعه به ۴۵۰ میلیارد دلار رسید که ۵۴ میلیارد دلار بیشتر از صادرات مواد اولیه بود.

شرکتهای فراملی از راه سرمایه‌گذاری مستقیم چه نقشی در عملکرد صادراتی کشورهای میزبان (جنوب شرقی آسیا) بازی کرده‌اند؟ نقش TNCs در توسعه صادرات این کشورها برخاسته از سرمایه‌اضافی، تکنولوژی و دانش مدیریتی است که همراه با دسترسی به بازارهای جهانی، منطقه‌ای و کشوری به ارمغان آورده است. TNCs با فراهم ساختن منابع و دسترسی به بازار توانسته‌اند تکمیل کننده منابع و توانمندیهای کشورهای میزبان بوده و رقابت‌پذیری این کشورها را در فعالیتهای تازه صادراتی افزایش دهند. مهمتر آنکه TNCs با ارائه داراییهای رقابتی (فناوری‌های تازه) به کشورهای جنوب شرقی آسیا، آنها را در تولید کالاهای صادرات‌گرا که تکنولوژی بر و پویا هستند، در جهان تجارت یاری می‌دهند.

برای نمونه، رشد پرشتاب صادرات چین از ۲۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۵ به ۲۴۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰، با افزایش محسوس سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آن کشور از ۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۵ به ۴۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ همراه بوده که تنها رقابت‌پذیری ساختار صادراتی چین را در همه بازارها (بویژه در زمینه کالاهای دانش‌بر) تقویت کرده است. در سال ۱۹۸۵، سهم صادرات مواد اولیه و کالاهای مبتنی بر منابع از کل صادرات چین به ۴۹ درصد می‌رسید، در حالی که این سهم در سال ۲۰۰۰ به ۱۲ درصد رسیده و صادرات کالاهای صنعتی تکنولوژی‌بر به ۸۷ درصد افزایش یافته است. نقش TNCs در پویایی صادرات چین چگونه بوده است؟ در سال ۱۹۸۹، سهم شعب شرکتهای خارجی از کل صادرات چین کمتر از ۹ درصد بوده که در سال ۲۰۰۱ به ۴۸ درصد رسیده است. بیش از ۹۰ درصد صادرات شرکتهای چند ملیتی مربوط به کالاهای صنعتی، ماشینها و تجهیزات بوده است. سهم

صادرات شعب خارجی در صنایع تکنولوژی‌بر از ۵۰ درصد در ۱۹۹۶ به ۸۱ درصد در سال ۲۰۰۰ افزایش یافته است.

در مورد کره، بین سالهای ۱۹۸۵ و ۲۰۰۰، صادرات آن کشور ۶ برابر شده و از ۳۰ میلیارد دلار به ۱۷۲ میلیارد دلار رسیده است. در همین دوره سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آن کشور از ۲۰۰ میلیون دلار به ۹ میلیارد دلار افزایش یافته است. این کشور رتبه چهارم را از لحاظ افزایش صدور کالاهای تکنولوژی‌بر داشته و سهم این کالاها از کل صادرات کره، از ۱۴ درصد به ۳۸ درصد در طول این سالها رسیده است.

سنجش جدولهای ۳ و ۴ نشان می‌دهد که رابطه مثبتی میان حجم صادرات صنعتی و جریان FDI به کشورهای در حال توسعه آسیا وجود دارد. به سخن دیگر FDI می‌تواند ابزاری برای نوسازی صنعتی و افزایش رقابت‌پذیری این کشورها باشد.

تجارب ایران در زمینه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی:

پژوهشی راجع به تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توسعه صنعتی ایران بیانگر آن است که در سالهای پیش از انقلاب اسلامی، شرکتهای خارجی سهم چندانی در صنایع ایران نداشتند. از لحاظ تاریخی، تجربه ایران در زمینه FDI به سالهای دهه ۱۹۷۰ بازمی‌گردد که بر اثر افزایش ناگهانی درآمد نفت، بازار ایران برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سودآور تشخیص داده شد. سهم این گونه سرمایه‌گذاریها در بخش صنعتی ایران کمتر از ۱۰ درصد بوده؛ با این حال، اقتصاد ملی در معرض پیامدهای منفی FDI قرار گرفته است. فعالیت بزرگ شرکتهای خارجی بر صنایع الکتریکی و غیر الکتریکی و ماشین‌سازی متمرکز بوده (۳۷ شرکت) و در درجه دوم به صنایع داروسازی، شیمیایی و اتومبیل‌سازی مربوط می‌شده است. در نتیجه، فعالیت این شرکتهای بر شمار اندکی از شاخه‌های صنعت متمرکز بوده که به سرمایه‌گذاری نسبتاً بالا و تکنولوژی پیشرفته نیاز داشته‌اند. البته این ویژگی

○ پشتیبانی از تولیدات داخلی بی‌آنکه در جایگاه رقابت باشد، انگیزه کسب دانش فنی تازه را از میان برده و موجب عقب ماندگی تولیدات داخلی از لحاظ تکنولوژی و اُفت کیفیت در سنجش با تولیدات همسان خارجی می‌شود.

با روند کلی سرمایه‌گذاری بنگاه‌های بین‌المللی در کشورهای جهان سوم هماهنگ بوده است.

آثار اقتصادی FDI در فعالیتهای صنعتی در ایران، از لحاظ ایجاد مشاغل صنعتی، انتقال تکنولوژی و دانش فنی و آموزش نیروی انسانی قابل ارزیابی است و آثار غیر مستقیمی نیز در روابط میان نهاده‌ها و ستانده‌ها در اقتصاد داشته است. چنین آثاری يك رشته فعل و انفعالات در اقتصاد پدید می‌آورد که سرانجام نقشی کلیدی در دگرگونیهای اقتصادی و توسعه اقتصادی بازی می‌کند. از لحاظ انتقال تکنولوژی، بنگاه‌های بین‌المللی، اصلاحات تکنولوژی محدودی را پی گرفته‌اند که بازتاب محدودیت تقاضا در بازار داخل و تولید در اندازه محدود بوده است. باحمایتي که دولت ایران از FDI می‌کرد، این بنگاه‌ها گرایشی به سازگار کردن تکنولوژی مورد استفاده در سطح بین‌المللی با شرایط کشور میزبان و تولید با کیفیت بالا نداشتند؛ در نتیجه، صنایع تازه ایجاد شده در ایران در سالهای پیش از انقلاب بیشتر دارای تکنولوژی نسبتاً کهنه و متروک و در عین حال نیازمند سرمایه‌گذاری سنگین بود.

اخیراً بررسی دیگری در خصوص نقش سرمایه‌گذاری خارجی در گسترش صادرات صنعتی ایران صورت پذیرفته و براساس مطالعه میدانی در مورد واحدهای صنعتی که از مشارکت سرمایه‌گذاری خارجی برخوردار بوده‌اند، به یافته‌های زیر رسیده است:^{۱۶}

۱- درصد صادرات از تولید واحد صنعتی با درصد یا مقدار مطلق مشارکت FDI رابطه مثبت دارد و نتیجه‌گیری آماری این است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کم‌ویش بر نسبت صادراتی تولید مؤثر است.

۲- رابطه‌ای میان میزان FDI و انتقال دانش فنی وجود ندارد. به سخن دیگر FDI علاقه و انگیزه‌ای به بنیانگذاری واحد تحقیق و توسعه (R&D) فعال ندارد زیرا هزینه‌راه‌اندازی آن، هم از دیدگاه سرمایه‌گذار خارجی و هم ایرانی بسیار سنگین است.

۳- وابستگی محصولات تولید شده در پروژه‌ها با مشارکت خارجی به مواد واسطه وارداتی نسبتاً زیاد است و به بیان دیگر این واحدهای تولیدی، ارزش افزوده پائینی دارند و اثرات القایی آنها بر کل اقتصاد و از لحاظ اشتغال‌زایی کمتر است.

چند نکته در این نتایج، در ارتباط با رقابت‌پذیر شدن تولید بر اثر FDI قابل تفسیر است. نخست اینکه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با تزریق نوآوری‌های تکنولوژیک و استانداردها به بدنه صنعت ایران، کالاهای صنعتی صادراتی را آماده رقابت در بازارهای جهانی کرده است. ولی انتقال دانش فنی به مفهوم احداث واحدهای تحقیق و توسعه (R&D) فعال نیست. زیرا برای شرکت مادر خارجی بر هزینه است و دوم اینکه بیشتر کالاهای تولید شده در پروژه‌ها با سرمایه‌گذاری خارجی وابستگی زیادی به مواد واسطه وارداتی داشته و به سخن دیگر جنبه مونتاژ دارد.

در نتیجه، FDI موجب رقابت‌پذیری تکنولوژیک پویایی در صنعت ایران نشده است. به سخن دیگر، ارتباطات پایین دستی میان این سرمایه‌گذاری مشترک خارجی و دیگر واحدهای تولیدی داخلی عرضه‌کننده کالاهای واسطه‌ای موجود نبوده که بتواند تأثیر برون‌زایی از لحاظ تکنولوژی و بازاریابی بر اقتصاد ایران داشته باشد. شاید بتوان گفت که موج تازه FDI که پس از انقلاب از سال ۱۳۷۲ به تدریج آغاز شده، چنان جوان است که ارزیابی در خصوص آن به زمان طولانی‌تری نیازمند است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها در زمینه سیاست‌گذاری:

همانگونه که اشاره شد، هدف از نوسازی صنایع ایران افزایش رقابت‌پذیری کالاهای صنعتی ایران در بازارهای جهانی است که خود نوسازی فیزیکی ماشین‌ها و ابزارهای فرسوده تولید و همچنین رویکرد به تکنولوژی روز، دانش نو در زمینه مدیریت و بازاریابی تازه را

○ صنایعی را در نوسازی باید به کار گرفت که برون‌گرا بوده و بتوانند تکنولوژیهای نورا جذب و در بازارهای داخلی و جهانی رقابت کنند. همه صنایع انرژی‌بر و کار‌بر در زمره صنایع برتر ایران هستند و باید نوسازی شوند.

○نوسازی صنایع، نیازمند نرخ بهره‌پایین و سطح تسهیلات بانکی بالاست. در این خصوص نه تنها دولت بلکه بخش خصوصی، نظام بانکی و بازار سرمایه (بازار سهام) باید در تأمین مالی طرح نوسازی صنایع نقشی اساسی داشته باشند.

می‌طلبند. یکی از اصول مهم حاکم بر نوسازی صنایع ایران این است که باید در دل جهانی شدن اقتصاد صورت گیرد یعنی برون‌گرا و صادرات‌گرا باشد و گرنه، به اتلاف منابع اقتصادی منجر می‌شود. با توجه به نبود منابع مالی داخلی و نیز عقب‌ماندگی از لحاظ فنآوری و مدیریت، یکی از راهبردها در دگرگون کردن ساختار صنعت، جذب FDI است. شواهد موجود گویای آن است که شمار زیادی از کشورهای شرق آسیا در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ با سیاست برون‌گرایی و آزادسازی اقتصادی و بر پایه جذب FDI توانسته‌اند به صادرات صنعتی خود رونق بخشند. اهمیت FDI در بازسازی صنعتی تنها محدود به تشکیلات شرکت‌های فراملیتی نیست، بلکه از راه آثار غیرمستقیم پایین‌دستی بر بنگاه‌های عرضه‌کننده نهاده‌ها در داخل کشور دارای آثار برون‌زای مثبت است.

سهم ناچیز ایران از جذب FDI تلویحاً بدین معناست که ایران نیازمند اصلاحات ساختاری اقتصاد در زمینه قوانین و مقررات در پشتیبانی از سرمایه‌گذاری خارجی، مالیات، تجارت خارجی، مقررات کار و آزادسازی اقتصادی است. بتازگی مقررات و آیین‌نامه‌های تازه‌ای در زمینه جذب FDI تصویب شده است (۱۳۸۱). تنها با تدوین قوانین نمی‌توان انگیزه‌ای برای جذب FDI ایجاد کرد، بلکه فضای سرمایه‌گذاری باید مبتنی بر امنیت سرمایه‌گذاری و بازدهی ناشی از آن بوده و مصون از هرگونه ناپایداری اقتصادی و سیاست‌گذاریها باشد تا بتواند موجب جذب اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی شود.

یادداشت‌ها

1. Foreign Direct Investment
2. Industrial Restructuring
3. Inter-Sector
4. E.Y. Park and J.H. Kim (1992), "Foreign Direct Investment for Industrial Restructuring", *Regional Development Dialogue*, Vol. 13, No.2.
5. وزارت صنایع و معادن (۱۳۸۰)، گزارش طرح نوسازی

صنایع کشور.

۶. سید مصطفی میرسلیم (۱۳۷۹)، «ضرورت و اولویت واردات در صنعت خودرو»، اطلاعات، ش ۲۱۹۹۶.
۷. «طرح بازسازی صنایع بر پایه اصول شناخته شده اقتصادی»، ماهنامه بررسی‌های بازرگانی (۱۳۸۱)، شماره ۱۷۶، صص ۴۷-۴۴.
۸. همان.
۹. «نوسازی صنایع با توجه به روند جهانی شدن اقتصاد به رشد صادرات صنعتی می‌انجامد» ماهنامه بررسی‌های بازرگانی (۱۳۸۱) ش ۱۷۶، صص ۲۸۳۳.
10. Multinational Corporations
11. Sebastian (1993) "Openness, Trade Liberalization, and Growth in Developing Countries", *J. Econ. Lit.*, Sept., pp. 1373-1375
12. Backward Linkages
13. UNCTAD (2001), *World Investment Report (2001)*, p. 137-144
14. UNCTAD (2002), *World Investment Report (2002)*
15. Fereydoun Berkesli (1997), "The Role of Foreign Investment in Iran's Industrial Development", *Contemporary History of Iran*; No. 2 pp. 28-64

۱۶. برای اطلاعات بیشتر در این مورد به منبع زیر مراجعه شود:

علیرضا کازرونی (۱۳۸۰)، «نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در گسترش صادرات صنعتی و خط‌مشی‌های جلب آن» شواهد تجربی، شورای پژوهش‌های علمی کشور

فهرست منابع و مآخذ

منابع فارسی

- کازرونی، علیرضا (۱۳۸۰)، «نقش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در گسترش صادرات صنعتی و خط‌مشی‌های جلب آن» شواهد تجربی، شورای پژوهش‌های علمی کشور.
- بررسی‌های بازرگانی (۱۳۸۱)، «نوسازی صنایع با توجه به روند جهانی شدن اقتصاد به رشد صادرات صنعتی می‌انجامد» ش ۱۷۶، صص ۲۸-۳۳.
- بررسی‌های بازرگانی (۱۳۸۱)، «طرح بازسازی صنایع بر پایه اصول شناخته شده اقتصادی»، ش ۱۷۶، صص ۴۷-۴۴.

○ سیاستگذاران در کشورهای در حال توسعه تشخیص داده‌اند که با در پیش گرفتن سیاستهای عاقلانه و صنعتی، FDI می‌تواند ابزاری عمده در راه صنعتی شدن کشورهای در حال توسعه میزبان باشد.

velopment, 5th Ed., pp. 254-292.

- Park, E.Y. and Kim, J.H. (1992), "Foreign Direct Investment for Industrial Restructuring", *Regional Development Dialogue*, Vol. 13, No. 2.

- Sebastian, Edwards (1993), "Openness, Trade Liberalization, and Growth in Developing Countries", *J. Econ. Lit.*, Sept., pp.1373-1375.

- UNCTAD (2001), *World Investment Report (2001)*.

- UNCTAD (2002), *World Investment Report (2002)*.

- میرسلیم، سید مصطفی (۱۳۷۹)، «ضرورت و اولویت واردات در صنعت خودرو»، اطلاعات، ش ۲۱۹۹۶.
- واردات صنایع و معادن (۱۳۸۰)، گزارش طرح توسعه صنایع کشور.

منابع انگلیسی

- Berkeshli, Fereydoun (1997), "The Role of Foreign Investment in Iran's Industrial Development", *Contemporary History of Iran*; No. 2 pp. 28-46.

- Meier, Gerald M. (1989) "Private Foreign Investment", *Leading issues in Economic De-*



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی